

شاعری در جاپان

یوسته بگذشته

ترجمه علی اصغر خان

از این تبسم چیز معینی مفهوم نخواهد شد. سوای اشخاص معدودی که بطرف خوبیها و مزایای شرق تمایل مخصوصی دارند مغربیان معمولی بکنه و حقیقت افکار و خیالاتم بی تخریب اندر برد آری آنها مقصر نیستند این جور تظورات موهومه چه حالت در ما و راء افکار و معلومات آنها قرار یافته .

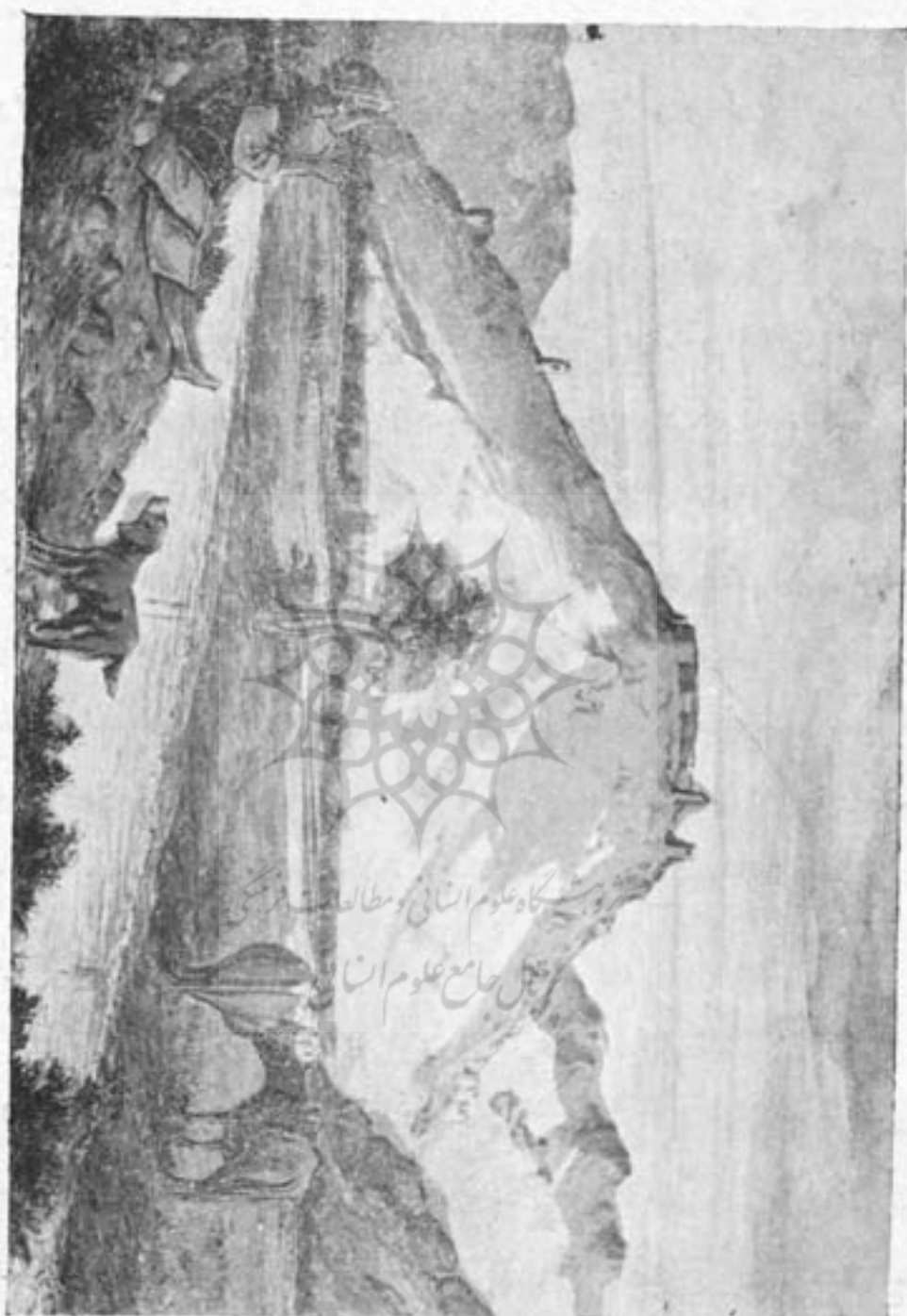
میخواهیم در اینجا راجع به فی ایزم «Teism» که یکی از عادات و برکتس های قدیمه جاپان بوده و در اطاق نفیس و مخصوصی با طر و ف و ۵ سه های مخصوصه جای بعمل می آید و علاوه با شاعری جاپان از قبایلی بهم میرساند قدری صحبت رانیم گویند در اوائل صبح صادق روزی هیدت سوگو Hidetsugu یک شخص معزوف نی ایزم و مذهبی جاپان دوستان و احباب خود در جهت عبادت و اجرای مراسم مذکور در همان اطاق مخصوص دعوت نمود همه آنها کسانی بودند که با یست در همان وقت جهت انجام آداب معینه همت بعمل آرند وقت مشخصه بیستم ماه اپریل زمانی است که شکوفه های نفیس آلو بالوشا خچه های درختان را وداع و روی زمین را از رنگ قشنگ خودها مزین ساخته و فصل بهار بمنتهای عروج و کمال خود رسیده بود . خارج اطاق ونسیم سحر گاهی بالباس شبانه لؤالی شهوار شبنم را بر دوشیزگان نبات ایثار میکرد ، ارواح خواب آلود شب قبل از آنکه از اثر حملات سپیده دم کاملاً منهزم گردیده عقب درختان آخرین صف آرائی خود را تمییه میدید . درین هنگام

در اطاق مخصوصه چای بغیر از ظلمت و سکوت چیز دیگری مشاهده نمیشد
ظروف معینه چای بشدت جوشیده آهنک و نغمه قدیمه آن فرحت و انبساط مهمانان را
که بطرف میزبان خودها بانگام تیزی نظر می افکندند بمراتب بیفزود.

شوگون هیدت سوگو آنقدر آهسته و خاموش بود که مهمانان را از کثرت
انتظار بتکلیف و انتظار اندر ساخت - اریاکی نو تسوکی Ariake - no - Tsuki

«آخرین انوار ماه» مانند مهمانان از بسیاری مشاهده به تنگ آمده و اینک بنا دارد
بطرف منزل مقصود عزیمت کند راه خویش را تعقیب و خانه را وداع گفتند. منتظرین
اقدام ما را پیروی کرده و بالاخره در نزدیکی میز تحریری که بر روی آن خاطرات
شاعر شهیر جایان «یوتا» (uta) تحریر یافته بود مواسلت جستند. اشعار چندی را
در حالیکه شاعر مذکور نیز در اطاق چائنی نشسته و بالاخره سرود دلیر بایانه پرنده
مخصوص توجهش را بطرف خود میکشاند مطالعه کردند مهمانان حالت خود هارا
با وضعیت یوتا مطابق یافته و بالاخره مقصد هیدت سوگو را که معرفی شاعر
و اثرات مهیجه او بود بخوبی دانستند.

از آن بعد نمیدانم که آیا مراسم می ایزم در آن طلوع فجر چگونه انجام یافت بلکه
مقصود ما تذکار آن هم نیست هیدت سوگو اگر چه شاعر الفاظ و کلمات نبود لیکن ادیب
عمل و کار تصور شده و موقع بسیار مهمی را جهت اعلام قابلیت و ابراز لیاقت شاعری
آن شخص معروف بدست آورد و از این لحاظ است که شاهکاری بزرگی بخرج داده
و به نسبت معرفی شاعر و تربیه قدیمه جایان رول مهمی بازی کرده است و مهمانان
نیز ازین موقع بهتر وقتی را بدست آورده نمیتوانستند انوار ماه، شکست ظلمت،
نسیم سحر گاهی و افکار عالیه شاعری برای میزبان و مهمانان دران اطاق مخصوص



شیر غلغله باستان، بقیع (محمدصورتخان) ارسام وعضو حفريات

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

منظره عجیب و دلگشایی را بروی کار آورده بودند گویا بهترین زمان شعر و شاعری نفیس ترین دقائق صنعتی برای يك صنعت کار همان آوان تصور میشد .

نمیخواهم درین جا شعرای مغرب را به نسبت اینکه ایشان کثرت مقدار را نسبت بوفرت صنعت و معنویت اهمیت میدهد تحت تنقید قرار دهم میدانم که ایشان جهت انتظام حیات ، مشاهده مناظر قشنگ و بصورت بهتری ، تغافل ورزیده و اطلاع کافی ندارند اگر ما مشرقیان بخواهیم غریبان را چیزی بیاموزیم آن چیز تنها باید انتخاب سادگی و عدم آلابشی که در اطاق چای مشاهده میشود باشد . نمی‌ایزم تماماً در سکوت و خاموشی صورت میگیرد و از این سکوت سادگی تولید میگردد . پس میگوئیم که ما از يك چیز جزئی مسائل عمومی و مهم و از يك قطره شبنم بعالم و کثرتی معلومات حاصل میتوانیم از همین جهت راه زندگانی صاف شده و در حیات میتوانیم که مقامات رفیعی را اشغال کنیم . اگرچه اطاق مخصوصه چای در جاپان یکی ساده و مختصر است ولی چون معنویت دارد بنظر به ما با اندازه و بست منسترابی «Westminster Abbey» «یا» نوتر دام «Notre Dame» مغرب بزرگ و با اهمیت خواهد بود .

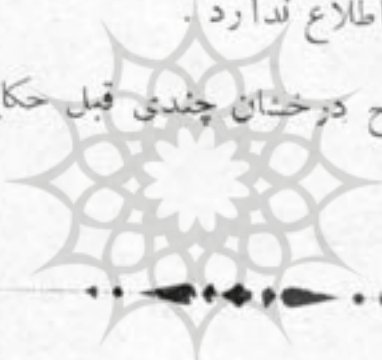
آیا در مقابل این گفتار بمن خنده خواهید کرد ؟

من در موضوع تعارفات و مراسم مخصوص اطاق چای آنقدر معلومات ندارم و اگر بخواهم که کدام دوست مغربی خود را در این اطاق رهبری کنم غرض من این نیست که او در اینجا زندگانی کرده و یا نظاهرات صنعتی را تحت مطالعه قرار دهد بلکه اثر است مخصوص من آنست که او سلطنت روح را ملاحظه کرده و آنجائی را که مرگ و زندگی درین آن یکی است بخوبی

بداند. آری موضع مذکور محلی است که انسان را از تهدیدات محدودیت های
دنیای خارجی بالکل آزاد میگرداند. اگر دوستم صاحب افکار و خیالات
شاعرانه باشد البته با هم چه مقام بی سابقه و ناآشنا خواهد بود و برای
او یگانه و خارجی بنظر نخواهد خورد بلکه او مانند من کاملاً مسحون گشته
و مفتون این حال میگردد. مراسم مخصوصه فی ایزم تنها در جاپان بوده و حتی
اکثر ممالک مشرقی از آن اطلاع ندارد.

بگذارید برای شما از صبح درخشان چندی قبل حکایتی کنم :

«باقی دارد»



ای باد صبا طرب فر آرشی آئمی من از لطوف کذاخین کف پامی آئمی
از کوی که برخاسته راست با کوی مع علوی گرد
«حسین خوانساری»

کس دور از ان شمع شب افروز مباد چون من بوصول او بد آموز مباد
می سوزم و بردل کس این سوز مباد روزیست مرا که کس بدین روز مباد
«بیانی»

